



نقاب دوگانه شورای امنیت: نمایشی از عدالت در سایه سرکوب

سید ابراهیم رئیس‌الساداتی، زاده ی سال ۱۳۳۹ در محله نوغان در مشهد، و هشتمین رئیس جمهور ایران در حادثه ی سقوط هلیکوپتر در ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ کشته شد و عمر او در ۶۴ سالگی پایان یافت. پایانی که اگر چه به مثابه خبری خوش در صفحات مجازی و با طنز و شوخی کاربران، و با رقص و شادی مردم ایران جشن گرفته شد، اما انزجار و تعجب رابیش از پیش نسبت به عملکرد شورای امنیت مبنی بر دقیقه ی سکوت به احترام مرگ وی و تسلیت گویی وزارت خارجه ی آمریکا افزایش داد.

اگر چه نام ریسی با کشتار وسیع زندانیان سیاسی سال ۱۳۶۷ گره خورده است و سازمانهای حقوق بشری و خانواده ی قربانیان خواهان محاکمه ی او بودند، اما واقعیت این است که در طول سالها فعالیتش در سیستم قضایی و سیاسی جمهوری اسلامی قربانیان او نه تنها زندانیان سیاسی، بلکه سایر مجرمان و عامه ی مردم نیز بودند.

ریسی پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، به سرعت در نظام قضایی ایران مسئولیت‌های مختلفی را بر عهده گرفت و از سال ۱۳۵۹ در حالی که تنها ۲۰ سال سن داشت به عنوان دادیار کرج وارد دستگاه قضایی شد و پس از مدتی به سمت دادستان کرج منصوب شد و در تابستان ۱۳۶۱ همزمان با دادستانی شهر کرج، مسئولیت دادستانی شهر همدان را هم به عهده گرفت و پس از مدتی به عنوان

دادستان استان همدان معرفی شد و از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳، در این سمت حضور داشت. در طی سالهایی که او دادستان کرج بود، مردم کرج به خوبی شلاق زدن ها ی مکرر مجرمان به ویژه زنان و سنگسار یک مرد را در شهرک فردیس در ملا عام به یاد می آورند.

آزار و اذیت و اعدام بهاییان این دو شهر نیز در کارنامه ی سیاه ابراهیم ریسی ، ثبت شده است. در این زمینه می توان به پرونده ی خانم اشراقیه فروهر و همسرش محمود فروهر اشاره کرد که در سال ۱۳۶۰ دستگیر و یکسال بعد در زندان کرج تیرباران شدند. تعدادی از زندانیان سیاسی و مخالفان حکومت نیز در طی تصدی او چه به عنوان دادیار و چه دادستان در زندانهای کرج و همدان اعدام شدند. غلامرضا اخلاقی ۲۲ ساله ، زهره شکاری ۲۵ ساله ، اردشیر کارگر ۲۶ ساله و محمد شفاعت ۲۱ ساله نمونه ای از زندانیان سیاسی اعدام شده در دوره ی تصدی او به عنوان دادستان در زندانهای کرج و همدان در طی این سالها هستند.

رئیزی در سال ۱۳۶۴ در دوران ریاست موسوی اردبیلی به عنوان جانشین دادستان انقلاب تهران منصوب شد و این سمت را تا سال ۱۳۶۸ حفظ کرد. او در سال ۱۳۶۷ از اعضا ی اصلی هیات مرگ و نقش کلیدی در اعدام زندانیان سیاسی داشت.

در سال ۱۳۶۸ ، رئیزی با حکم یزدی به سمت دادستان تهران منصوب شد و از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ به مدت پنج سال این مسئولیت را بر عهده داشت. در این سالها خبر قطع انگشت سارقان در تهران و سایر استانها بیش از پیش خبر ساز شد. به علاوه، شلاق خوردن دختران و پسران جوان به دلیل آنچه که قوه ی قضاییه آن را رابطه ی خارج از ازدواج می دانست شدت گرفت.

در دوران ریاست محمود هاشمی شاهرودی بر قوه قضاییه، رئیزی در سال ۱۳۸۳ به عنوان معاون اول دستگاه قضا انتخاب شد و ۱۰ سال هم در این سمت حضور داشت که پنج سال آن در دوران ریاست صادق آملی لاریجانی بود. در طی این دوره ی ۱۰ ساله ، شاهد مرگ های مشکوک زندانیان در زمان بازداشت ، اعدام ها و قطع عضو زندانیان به شکل گسترده هستیم. او یکی از عوامل سرکوب جنبش سبز بود و یکی از مسئولان رسیدگی به جریان شکایت ها در زمینه ی تجاوز جنسی به زندانیان بود که در گزارشی به رییس قوه ی قضاییه ادعای تجاوز جنسی به زندانیان را بی اساس خواند. او همچنین در ۲ اسفند ۱۳۸۸ در ارتباط با پرونده کهریزک اعتراضات نسبت به نتیجه انتخابات را گناه بزرگ و نابخشودنی خواند و فجایع کهریزک را در حد "تخلفاتی که در برخورد با این ظلم صورت گرفته" دانست.

ریسی در اسفند ۱۳۹۷، در حالی رئیس قوه قضاییه شد که پرونده ی ضد حقوق بشری او بسیار سنگین تر از روسای پیشین قوه ی قضاییه بود و او به طور علنی از مجازات های اعدام، سنگسار و قطع عضو مجرمان حمایت کرد و آن را از افتخارات بزرگ دانست. جان باختن ۱۷۶ مسافر پرواز هواپیمایی اکرانی در سال ۱۳۹۸ در زمان تصدی او به عنوان رییس قوه ی قضاییه و خواندن "حادثه ی تاسف بار سقوط" از سوی او و جریانات دادگاههای نمایشی این فاجعه ی تلخ ، خشم مردم ایران و خانواده های قربانیان را برانگیخت.

در سال ۱۴۰۰ به عنوان رییس جمهور ایران "انتصاب" شد . به دنبال کشته شدن مهسا امینی به دست نیروهای گشت ارشاد، انقلاب "زن ، زندگی ، آزادی" در سال ۱۴۰۱ شعله ور شد که منجر به کشته شدن، زندانی شدن، نقص عضو شدن و اعدام معترضان انجامید. در دولت او لایحه ی حجاب و عفاف ، با هدف افزایش تبعیضات سیستماتیک جنسیتی و سرکوب زنان تصویب شد. بسیاری از

اساتید، هنرمندان و دانشجویان از کار و تحصیل اخراج شدند و فشار بر اصحاب رسانه بیش از پیش افزایش یافت.

در حالی که جنایات ریوسی کمتر از هیتلر و موسولینی نیست و باید به نوعی او را پدر رویه‌های قضایی طالبان دانست، و وضعیت حقوق بشر ایران یکی از رنج‌آورترین و فاجعه‌بارترین هاست به طوری که در مقیاس بین‌المللی نیز به عنوان یکی از بدترین نوع حکومت‌های دیکتاتوری ثبت شده است، زشتی چنین حرکت‌ها و سخن‌های صمیمانه از سوی نهاد بین‌المللی مانند شورای امنیت نه تنها به معنای تناقض در ارزش‌های اعلام شده‌ی دموکراتیک و حقوق بشری سازمان ملل است، بلکه توهین آشکار به حقوق و جان انسان‌های بی‌شماری است که به دست ریوسی و همتایانش قربانی شده‌اند.

این حرکت نامتعارف شورای امنیت، نه تنها تأیید غیرمستقیم رفتارهای سرکوب‌گرانه، بلکه پیامی خطرناک به سایر رژیم‌های خودکامه می‌دهد که آری می‌شود حقوق بشر را به خاطر منافع گذرا و استراتژیک نادیده گرفت. در نهایت باید گفت که، شورای امنیت و دولت‌هایی که احساسات همدردیشان برای مرگ یک جنایتکار به غلیان می‌افتد، شریک جرم حکومت‌های جنایتکاری چون ایران هستند.

For further details and to read this article in English, please visit our website:

www.ifmavoice.com